۱۸۷ - ای یاران رحمانی شمس حقیقت بر آفاق قلوب اشراق نورانیت محبت نمود و غمام موهبت باران الفت مبذول داشت نسیم عنایت از مهب ملاطفت بمرور آمد و دریای رحمانی امواج تعلق روحانی زد تا یاران الهی بمثابه فیض آسمانی قطرات جمع شدهء سیل فیض نامتناهی گردند و صحرا و دشت آفاق را سبز و خرم نمایند مقصد از ظهور مظاهر مقدسه الفت و محبت عالم انسانی بود حال احباء باید در این میدان جانفشانی نمایند تا عالم انسانی را بصهبای محبت یکدیگر سرمست کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بیشتر کوشند بیشتر پویند و آنچه در اتحاد همت مبذول دارند عون و عنایت بیشتر مشاهده کنند حضرت مسیح خطاب بحواریین میفرماید أنتم ملح الأرض فاذا فسد الملح بما ذا یملح ؟ میفرماید شما نمک عالمیانید اگر شما فاسد گردید جهان به چه ملیح و نمکین گردد ؟ حال اگر احبای الهی شمع محبت و الفت و یگانگی و اتحاد در محفل خویش نیفروزند چگونه جهانرا به نورانیت الهیه روشن نمایند و چگونه سبب الفت قلوب اهل عالم گردند ؟ ای یاران عبدالبهاء شما را بملاحت و صباحت جمال ابهی قسم میدهم که مانند نجوم ثریا مجتمع و مؤتلف گردید و سبب اتحاد و یگانگی عالمیان شوید بنیاد خلاف براندازید و بنیان ائتلاف بلند سازید و بذیل محبت الهیه در آویزید و ساحت قلب را ازمغایرت و مخالفت بپردازید تا محل اشراق شمس حقیقت گردد و نور موهبت بدرخشد هر یک خادم یکدیگر شوید و هر کدام در ره دیگر جانفشانی نمائید جان و مال از یکدیگر دریغ مدارید تا یرلیغ عطا از ملکوت ابهی رسد و منشور سرور و حبور از ملأ اعلی صادر گردد